روزنه

ناگفته‌های «سیروس ناصری» از اورینتال کیش و مذاکرات هسته‌ای

● **ایرنا:** سیروس ناصری از دیپلمات‌های کشور است که پس از پایان دولت محمد خاتمی در اوایل سال ۸۴ از سیاست خداحافظی کرد؛ البته در زمان مسوولیتش نیز به گفته خودش با اصرار کمال خرازی وزیر وقت امور خارجه و حسن روحانی دبیر وقت شورایعالی امنیت ملی، عضویت در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را پذیرفت. سیروس ناصری درباره توافق هسته‌ای ژنو گفت: «توافقنامه ژنو «دستاوردی بزرگ» و نتیجه ۱۰ سال برنامه‌ریزی مستمر و تلاش پیوسته مسوولان مقاطع مختلف است.» ناصری با بیان اینکه «توافق ژنو نتیجه تلاش پیوسته مسوولان مقاطع مختلف، آقایان حسن روحانی، علی لاریجانی و سعید جلیلی و دوباره دکتر روحانی و تیمش بوده است» اضافه کرد: «مجموعه اقدامات انجام‌شده و مقاومت‌ها توانست کشور را به‌جایی برساند که ایالات‌متحده آمریکا می‌پذیرد ایران غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد و این عقب‌نشینی از موضع به قدری برای واشنگتن سنگین است که تمام مسوولان آن باید به هر طریقی که می‌توانند این عقب‌نشینی اساسی را توجیه کنند.» او با اشاره به اینکه «پاکستان عضو معاهده عدم‌اشاعه (ان‌پی‌تی) نیست و برنامه تسلیحاتی دارد» افزود: «بنابراین طبیعی است که اگر کالایی از این کشور بیاید احتمال دارد که این آلودگی‌ها را داشته باشد. وقتی آژانس این موارد را پیدا کرد بحران به صورت تصاعدی تشدید شد و گسترش پیدا کرد و کار مجموعه گروهی که در بخش پاسخ به آژانس بودند، دشوار شد. این افراد جدا زحمات بسیار کشیدند و با برنامه‌ریزی فشرده توانستند مسایل پیچیده را در حالی که نیت طرف مقابل این بود که این مسایل حل نشود، به پیش ببرند. بسیار زمان برد و بخش نهایی در دوران آقای (علی) لاریجانی انجام شد.» سیروس ناصری با بیان اینکه «موضوع هسته‌ای مساله‌ای ملی است» گفت: «متاسفانه هر زمان کشور نزدیک به فضای انتخاباتی می‌شود، هیجانات سیاسی بر موضوعات مسلط می‌شود و غیرطبیعی نیست که وقتی کاندیداها برای کسب سمت ریاست‌جمهوری رقابت می‌کنند از عملکرد دولت قبل انتقاد کنند.»

او در رابطه با انتقادات برخی به پذیرش تعلیق غنی‌سازی در دوران او گفت: «موضوع انتقادکردن از جریان تعلیق غنی‌سازی بله با هماهنگی بود. اما به کاربردن عبارت «در دادن و آب‌نبات‌گرفتن» خیر، هماهنگ نشده بود. من البته به دکتر لاریجانی ارادت ویژه دارم به خاطر روحیه فتوت و مردانگی‌شان ولی من حتما با آن عبارت مخالفم چراکه قطعا درست نیست. در هیچ مقطعی نه دری داده شد و نه آب‌نباتی گرفته شد. در تمام آن دوران در پی این بودیم که برنامه هسته‌ای را که از کمر شکسته شده بود، به‌جایی برسانیم که کاملا سرپا بایستد تا آمادگی کامل و حساب‌شده برای غنی‌سازی و رسیدن به تولید سوخت را پیدا کنیم.» سیروس ناصری و حسین موسویان اعضای تیم مذاکره‌کننده‌ای بودند که طی هشت‌سال گذشته در دولت «محمود احمدی‌نژاد» مورد آماج حملات و انتقادهای تند سیاسی هواداران آن دولت قرار گرفتند. او درباره اتهامات اقتصادی که در دولت احمدی‌نژاد درباره تیم پیشین مذاکره‌کننده هسته‌ای مطرح بود، گفت: «شرکت اورینتال کیش بسیار موفق بود و یکی از سخت‌ترین کارهای صنعتی در عرصه صنعت نفت را انجام می‌داد. جزو اولین شرکت‌هایی بود که وارد موضوع حفاری به‌ویژه حفاری دریایی شد و من جزو بنیانگذارانش بودم.»

سیروس ناصری افزود: «نیتم این بود که کار صنعتی انجام دهم و با تحمل سختی‌های بسیار و رفع موانع بسیار توانستیم بعد از سال‌ها سرمایه‌گذاری مالی و نیز فکر و وقت، شرکت را مطرح کنیم و تنها راهی که باعث شد وارد عرصه رقابت شویم، اولین قرارداد حفاری در مرز مشترک با عراق بود، آن‌هم با قیمتی کمتر از هزینه‌هایمان برنده شدیم تا ما را در دستگاه سنگین‌وزن نفت راه دهند.» ناصری گفت: «بعد از آن شروع به فعالیت کردیم و آن شرکت هنوز هم سرپاست که البته شکل و اسم آن تغییر کرده، چرا که مشمول تحریم‌های آمریکا شد اما در صحنه حفاری دریا نقش اول را دارد. تعداد چاه‌هایی که به تازگی حفاری کرده، وزنه سنگینی است در مقایسه با تولید نفت. آنچه این شرکت انجام داد جزو افتخارات است.»

درس‌های «علم عصب‌شناسی» برای مذاکرات هسته‌ای

روانشناسی مناقشه هسته‌ای ایران

فرنگیس بیات

the Atlantic

هفته‌نامه‌های جهان همچنان پیگیر اجرایی‌شدن توافقنامه ژنو و مسایل مرتبط به آن هستند. روزنامه‌های آمریکایی نیز همچنان، کشمکش میان دولت اوباما و جناح طرفدار تحریم در سنا را با جزییات بررسی می‌کنند. هفته‌نامه بریتانیایی «تایم» بر نکات فنی درصد غنی‌سازی و رآکتور آب‌سنگین اراک و برداشت ایران از قدرت احتمالی‌اش تکیه می‌کند و می‌گوید: «چرا نباید به قرارداد ماندگاری با ایران امیدوار بود؟» «نیشن» با گرایش چپ انگلیسی در تیتر خود می‌گوید: «نیروهای تحریمی خواستار جنگ با ایران هستند.» روزنامه «یواس‌ای‌تودی» نیز در مقاله به قلم شورای سردبیری‌اش، می‌نویسد که تحریم ایران دیگر هیچ معنایی ندارد. «بلومبرگ» نیز در موضعی بی‌سابقه می‌گوید که این تحریم‌ها آمریکا را متضرر کرده است. طرح این مساله درست زمانی اتفاق می‌افتد که مشاوران اقتصادی اروپا در گفت‌وگو با رسانه‌ها از ضررهای اقتصادی تحریم‌ها علیه ایران در بخش پولشویی و نامشخص شدن جابه‌جایی‌های مالی در اتحادیه اروپا می‌گویند. اما در این میان هفته‌نامه «آتلانتیک» با بررسی بی‌سابقه‌ای نوشته است: «علوم اعصاب درس‌هایی برای روابط ایران و آمریکا دارد. این علوم به ما می‌گوید که همکاری و دفاع از عدالت، جزو مکانیسم‌های ذاتی مغز و بخشی از عملکردهای طبیعی مغز است.» از این رو بخش‌هایی از این مقاله به‌عنوان برگزیده مقالات هفته‌نامه ارایه می‌شود.

در حالی که تنها ۱۴ملت (با احتساب ایران) توانایی انجام غنی‌سازی اورانیوم را دارند، بسیاری می‌پرسند چرا دولت ایران باوجود شدیدترین تحریم‌های ممکن که در تاریخ معاصر بی‌سابقه توصیف شده است، همچنان برنامه هسته‌ای‌اش را ادامه می‌دهد؟ در واقع این‌طور گفته می‌شود که ایران به یک‌سال زمان نیاز دارد تا به اورانیومی به اندازه تولید پنج‌ساعت صنایع غنی‌سازی اروپا دست یابد. برای بسیاری این پرسش، پاسخ روشنی دارد؛ ایران خواهان دستیابی به توانایی‌های هسته‌ای است حتی اگر هم برنامه‌ای برای دستیابی به توانایی نظامی نداشته باشد. با این حال، چارچوب‌های متعددی برای توضیح اصرار ایران بر پیگیری برنامه هسته‌ای‌اش وجود دارد: تحلیل‌هایی که از ژئوپلیتیک، ایدئولوژی و ناسیونالیسم گرفته تا سیاست‌های داخلی و برداشت این کشور از میزان تهدیدی که با آن روبه‌رو است، گستردگی دارد. آیا ایران چنین توانایی را به قصد تسلط بر خاورمیانه می‌خواهد یا تنها برای دفاع از خودش؟ هیچ نشانه توضیح‌دهنده دیگری برای اقدامات تهران وجود ندارد، مگر اینکه یک تهدید مشترک، تمامی چارچوب‌های موجود را به‌هم متصل کند و نحوه تفکر ایرانی‌ها برای ما روشن شود، این ریسمان متصل‌کننده «مغز» است. در هیچ بخشی از دانش «شرق‌شناسی» از علم پزشکی و مکانیزم‌های مربوط به مغز انسان استفاده نمی‌شود، با این وجود «بیولوژی» و دستاوردهای علم «عصب‌شناسی» نمی‌تواند از فرهنگ، تاریخ و جغرافیا جدا باشد. درست است؛ چیزی به نام «شرق‌شناسی مغز» نداریم اما این علوم پیش‌بینی می‌کنند که چگونه غریزه طبیعی مغز در دفع بی‌عدالتی‌ها می‌تواند مانع از برآوردن خواسته‌های ذاتی شود و اینکه عدالت چگونه می‌تواند به تراژدی تبدیل شود. این علوم به ما می‌گویند که ژست‌های آشتی‌جویانه چقدر محتمل‌تر و طبیعی‌تر از چیزی هستند که بسیاری به آن باور دارند و اینکه ما چگونه می‌توانیم ژست‌های آشتی‌جویانه خود را کاراتر از سایرین نشان دهیم. آنچه در پی می‌آید درس‌هایی است که ما از «علم عصب‌شناسی» برای درک موانع پیش روی اجرای توافقنامه موقت هسته‌ای ژنو با ایران می‌گیریم و نیز چالش‌هایی که بر سر راه رسیدن به توافق جامع وجود دارد.

درس اول این است که انسان‌ها، آماده‌اند که بهای زیادی برای مقابله با بی‌عدالتی بپردازند. تجربه‌های آزمایشگاهی بیش از سه دهه نشان می‌دهد که انسان‌ها آماده دفع بی‌عدالتی، حتی با وجود صرف هزینه‌های گزاف هستند. این پایه بیولوژی بحث ماست. یک‌دهه مطالعات تصاویر «مغز» نشان می‌دهد که فعالیت عصبی انسان – به‌ویژه در منطقه کورتکس «اینسولا»- میزان دقیق بی‌عدالتی در تعاملات اجتماعی را نشان می‌دهد. درواقع بی‌عدالتی، ارزشی منفی است که بر ارزش مثبت «پول» می‌چربد. انگیزه مقابله با بی‌عدالتی و تحقیر، از این عملکرد ناشی می‌شود و این به‌خوبی می‌تواند در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های ملی هم اتفاق بیفتد. «مساله هسته‌ای برای ایرانی‌ها امروز دیگر تنها یک برنامه هسته‌ای نیست، مساله دفاع از یکپارچگی ملی‌شان است.» شش‌دهه بعد از ملی‌شدن صنعت نفت، ظاهرا مقابله با بی‌عدالتی، انگیزه پیش‌بردن برنامه هسته‌ای ایران شده است. این در حالی است که یکی از کارشناسان مرکز «پرینستون فرانک» ارزیابی کرده است که هزینه واردات اورانیوم غنی‌شده برای ایران، ۱۰ برابر کمتر از هزینه‌ای است که برای تولید آن در داخل صرف شده است. شاید با احساسات ایرانیان موافق نباشیم، اما «علم عصب‌شناسی» به ما می‌گویند که برای تحلیل رفتار ایرانیان، باید این نکته را در نظر بگیریم که مقابله با بی‌عدالتی - حتی با صرف هزینه‌های گزاف - مهم‌ترین انگیزه‌آنهاست.

درس دوم، آموختن از تراژدی «هگلی» عدالت است. «علم عصب‌شناسی» در عین حال به ما می‌آموزد که برداشت انسان‌های مختلف از مفهوم «عدالت» به‌شدت انتزاعی است. قضاوت‌های متقابل ناسازگار از عدالت ممکن است بین دو بازیگر، تقابل میان آنها را به‌شدت به‌خطر بیندازد. تصاویر مغز انسان نشان می‌دهد که تجارب انتزاعی از عدالت که به چنین برداشت‌های متضادی می‌انجامد در فعالیت مغزی افراد مختلف رمزگذاری شده است. مناقشه جاری میان ایران و آمریکا و کشمکش ایران و اسراییل در چنین فضای هگلی قابل فهم است. در مغز مقامات تهران همواره فهرستی از بی‌عدالتی‌های آمریکا - از کمک به صدام گرفته تا حمله به «ایرباس» ایرانی و توطئه‌های دیگر - وجود دارد. برای سیاستمداران واشنگتن نیز قضیه مشابه است؛ ایرانی‌ها گروگان‌گیری کرده‌اند و از مخالفان آمریکا در عراق یا لبنان حمایت می‌کنند. اخیرا این دو کشور سعی کرده‌اند بر چنین خصومت‌هایی فایق شوند. وقتی دو طرف خود را درگیر مناقشه‌ای می‌بینند، درواقع هرکدام به تنهایی خود را «تنها منبع دراختیاردارنده حقیقت» فرض می‌کنند.

درس سوم این است که ژست‌های آشتی‌جویانه طبیعی هستند. مطالعات نشان می‌دهد که بشر بالذات و به‌طور محض رقابت‌جو و منفعت‌گرا نیست بلکه بیشتر تمایل به همکاری دارد. «علم عصب‌شناسی» به ما می‌گوید که همکاری و هماهنگی طبیعی است؛ امری که در روابط تهران و واشنگتن به‌ندرت اتفاق افتاده است. درس چهارم این است که ژست‌های غیرمنتظره آشتی‌جویانه معمولا موثرتر هستند. اگر ایران و آمریکا مسیر تنش‌زدایی را که در چند ماه گذشته آغاز کرده‌اند ادامه بدهند، «سال‌های تاریخی» در پیش‌روی ماست که در آن «ژست»های غیرمنتظره ثبت می‌شود، چنین رویدادهایی هم در روابط تهران - واشنگتن شدنی است و هم در روابط بین‌الملل پرسابقه‌است.

وزارت‌خارجه پیگیر مرگ ایرانی بازداشت‌شده در امارات

شرق: وزارت‌خارجه به مرگ مشکوک ایرانی بازداشت‌شده مربوط به پرونده «عباس یزدان‌پناه» در امارات، واکنش نشان داد. سخنگوی وزارت‌خارجه با بیان اینکه «موضوع فوت مرحوم سیدعلی حسینی به‌صورت جدی در دست پیگیری است» گفت: «بعد از اطلاع از این حادثه، در غیاب سفیر، مسوول سفارت امارات به وزارت‌خارجه احضار و مراتب اعتراض شدید ایران اعلام شد.»

سخنگوی امورخارجه افزود: «بلافاصله پس از اطلاع از این موضوع، نماینده‌ای از سوی وزارت‌خارجه برای بررسی این مساله عازم امارات شد و به‌زودی یک هیات تحقیقی-کارشناسی به‌منظور بررسی و تحقیق درمورد علل فوت نامبرده رهسپار امارات خواهد شد.»

«مرضیه افخم» با اشاره به اینکه «امارات تاکنون هیچ‌گونه گزارش رسمی از دستگیری مرحوم سیدعلی حسینی و دو شهروند دیگر ایرانی ارایه نکرده است» اضافه کرد: «پس از انتشار خبر بازداشت سه تبعه ایرانی در امارات، یادداشت‌هایی از سوی نمایندگی کشورمان در امارات به وزارت‌خارجه آن کشور ارسال و بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی خواستار دسترسی کنسولی به این افراد شده بود.» عصر دیروز «فارس» در خبری اعلام کرد، یکی از سه تبعه ایرانی بازداشت‌شده که مظنون به ربایش «عباس یزدان‌پناه» بودند، به‌طرز مشکوکی جان سپرد. نام «عباس یزدان‌پناه» ایرانی تبعه انگلستان، در چند پرونده فساد مالی مرتبط با شرکت‌های نفتی مطرح شده است. اوایل تابستان امسال برخی رسانه‌ها خبر از ناپدیدشدن او در امارات داده بودند.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● کسانی که مستمری‌بگیر و بازنشسته هستند به ۷۰سال که می‌رسند کارت بانکشان باطل می‌شود و دفترچه پرداخت حقوق مستمری داده می‌شود چطور می‌توانند بن کالا را تهیه کنند. لطفا در این مورد هم گزارشی تهیه کنید.

● در ارتباطات با موسسات بانکی که اعلام کرده بودید بانک مرکزی مسوولیتی نسبت به اینها ندارد، کسانی که در این موسسات سپرده می‌گذارند همه آگاه نیستند که بتوانند به سایت مراجعه کنند و از مجاز یا غیرمجازبودن آنها باخبر شوند. بهتر نیست که اسامی آن موسساتی که نباید در آن سپرده بگذارند را اعلام کنند.

● همان‌طور که مدیرکل محترم اوقاف و امور خیریه استان خوزستان در هفته وقف اظهار کردند ۷۰۰هکتار از زمین‌های شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، وقفی است و این ۷۰۰هکتار زمین وقفی مدت ۱۲سال است که حق موقوفه را پرداخت نکرده که امیدواریم مدیرعامل محترم و هیات‌مدیره با پرداخت حق موقوفه از ۱۲سال گذشته تا به امروز به محصول و تولید خود برکت بدهند و تولید را از این طریق بالا ببرند و به مسایل شرعی توجه فرمایند.

حیدری-اهواز

● یک فرهنگی بازنشسته هستم، در شهرستان زندگی می‌کنم و مجبور هستم برای مداوای همسرم به تهران مراجعه کنم، هربار که به میدان حر خیابان کاشان مراجعه می‌کنیم می‌گویند سمینار است، حتی گاهی سمیناری که مربوط به فرهنگیان هم نیست. آیا این امکاناتی است که برای فرهنگیان فراهم می‌کنند؟ سه‌شب در تهران بودم حقوق یک‌ماهم را هزینه کردم. لطفا مسوولان رسیدگی کنند

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی شرکت مخابرات استان تهران:** احتراما در پاسخ به مطلب مندرج در شماره ۱۹۱۸ مورخ ۹۲/۱۰/۹ آن نشریه تحت‌عنوان «مشکل اینترنت» به اطلاع می‌رساند:

به گزارش روابط‌عمومی شرکت مخابرات استان تهران، نظر به اینکه مشترک گرامی نشانی دقیق و شماره تلفن خود را اعلام نکرده است امکان بررسی دقیق میسر نیست. لذا از مشترک محترم درخواست می‌شود جهت بررسی و رفع مشکل به مرکز مخابرات مربوطه مراجعه و یا با شماره (۱۹۰) واحد ارتباط مردمی شرکت مخابرات استان تهران تماس حاصل نماید.